



دانشگاه باقر العلوم
(صدر موسی - صدر المشعلین)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»
دانشکده: تاریخ و مطالعات سیاسی
رساله جهت اخذ درجه دکتری
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

بررسی رویکرد مقاصدی به فقه در کارآمدی نظام سیاسی

استاد راهنما:

دکتر احمد رهدار

استاد مشاور:

دکتر منصور میراحمدی

نگارش:

محمد رضا ملایی

آذر ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

تقدیم به شهدای گمنام که از حیات و نام خود برای حیات اسلام و اعتلای نام دین

گذشتند

تقدیر و تشکر

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، شایسته است از اساتید فرهیخته و فرزانه‌ام جناب آقایان دکتر حجت الاسلام و المسلمین احمد رهدار و دکتر منصور میراحمدی که مرا در نوشتن این پایان‌نامه راهنمایی و مشاوره کرده‌اند، تقدیر و تشکر کنم.

و با قدردانی از صبر جمیل همسرم در طول زندگی.

امیدوارم خداوند منان به همگی آنان از فضل و کرم خود، اجر فراوان عطا فرماید.

آمین!

چکیده

مهمترین نرم افزار یک نظام سیاسی دینی برای اداره جامعه، فقه است و از همین روی می‌تواند مرکز ثقل کارآمدی یا ناکارآمدی آن تلقی شود. فقه شیعه علی‌رغم ظرفیت عظیمی که در تنظیم روابط فرد مسلمان در رابطه با خود، خداوند و دیگران دارد ولی با توجه به عواملی چند همچون شکل‌گیری در فضای اقلیت و تقیه و ... برای پشتیبانی نرم افزاری از یک نظام سیاسی دینی، با محدودیت‌هایی مواجه است. در این پژوهش، رابطه فقه و کارآمدی نظام سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته و سعی شده تا تأثیرات رویکرد مقاصدی به فقه در کارآمدی نظام سیاسی دینی رصد شود. چارچوب مفهومی این پژوهش، ناظر به ارتباطی است که می‌تواند بین مفاهیم «کارآمدی» و «نظام سیاسی» و «فقه مقاصدی شیعه» برقرار شود. نخست، رابطه فقه سنتی با مساله کارآمدی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد این فقه از ظرفیت کافی برای ارتقای کارآمدی نظام سیاسی دینی برخوردار نیست. سپس با تبیین رویکرد مقاصدی به فقه - به عنوان یک رویکرد و نه یک منبع در عرض کتاب و سنت - و بررسی ظرفیت‌های همراهی اصول فقه امامیه با فقه مقاصدی، مشخص می‌شود رویکرد مقاصدی به فقه با قرائت شیعی، قابلیت تحقق دارد. اما مساله کلیدی در این پژوهش نسبت سنجی فقه مقاصدی با مساله کارآمدی نظام سیاسی دینی است. با توجه به ویژگی‌های رویکرد مقاصدی به فقه، تلاش شد تا تأثیرات این رویکرد بر مولفه‌های کارآمدی همچون قانون‌گذاری، شفافیت و پاسخگویی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رویکرد مقاصدی به فقه می‌تواند در تصحیح روند قانون‌گذاری بر اساس فقه شیعه، هم در حوزه احکام موجود و هم در حوزه مسائل نوپدید و نیز در عرصه نظریه پردازی‌های حقوقی تأثیر غیرقابل انکاری داشته باشد. همچنین رویکرد مقاصدی به فقه می‌تواند با ضابطه‌مند کردن مصلحت، ارزیابی و شفافیت قوانین را ارتقا بخشد و علاوه بر آن، منجر به تنظیم نظام اولویت‌ها در عرصه اجرای قوانین و رتبه‌بندی اهداف شود.

واژگان کلیدی: فقه مقاصدی، مقاصد شریعت، کارآمدی، نظام سیاسی دینی، فقه سنتی

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	گفتار اول: طرح تحقیق
۲	۱. بیان مسئله
۶	۲. سوال اصلی تحقیق
۶	۳. سوال‌های فرعی
۷	۴. پیشینه تحقیق
۸	۵. اهمیت مساله و ضرورت تحقیق
۹	۶. نوآوری تحقیق
۹	۷. اهداف تحقیق
۹	۸. چارچوب مفهومی
۹	۹. فرضیه‌های تحقیق
۱۰	۱۰. روش تحقیق
۱۰	۱۱. سازماندهی تحقیق
۱۱	گفتار دوم: مفهوم‌شناسی
۱۱	۱. کارآمدی
۱۱	۱-۱. مطرح شدن نظریه‌ی حکمرانی خوب در نیمه‌ی دوم قرن بیستم
۱۱	۱-۲. رواج نظریه‌ی سیستمی و نیز بحث اصالت کارکرد و نظریات تالکوت پارسونز
۱۳	در نیمه اول قرن بیستم در تحلیل رابطه دولت و جامعه
۱۳	۱-۳. نقش یافتن مردم در ساختار حاکمیت و تنیده شدن مساله‌ی مشروعیت
۱۵	حاکمیت با مقبولیت و رضایت مردم
۱۶	۱-۴. طرح نظریات توسعه
۱۸	۲. نظام سیاسی دینی

۱۹	اجتهاد مقاصدی.....
۲۳	فصل دوم: نسبت فقه و کارآمدی نظام سیاسی دینی
۲۷	درآمد: کارآمدی نظام سیاسی دینی.....
۳۲	۱. نسبت فقه سنتی و کارآمدی نظام سیاسی دینی.....
۳۴	۱- ۱. تبیین ویژگی‌های فقه رایج.....
۳۵	۱- ۱- ۱. نادیده گرفتن واقعیت و تمرکز بر فراغ ذمه.....
۳۹	۱- ۱- ۲. ساختار معرفتی فقه رایج.....
۴۲	۱- ۱- ۲. استناد به اصول عملیه.....
۴۴	۱- ۱- ۳. استناد به احکام ثانویه.....
۴۷	۱- ۱- ۴. بررسی جزیره‌ای مسائل و موضوعات.....
۵۰	۱- ۱- ۵. عدم توجه به حل مساله.....
۵۳	۱- ۱- ۶. تکلیف گرایی.....
۵۸	۲. نقاط ضعف فقه سنتی در رابطه با مساله کارآمدی.....
۵۹	۲- ۱. انقطاع فقه از پشتوانه‌های نظری.....
۶۵	۲- ۲. شیوه پاسخ‌گویی به مسائل نو ظهور.....
۷۲	۲- ۳. نتایج غیر قابل تطبیق.....
۷۷	جمع‌بندی.....
۷۹	فصل سوم: فقه مقاصدی شیعی
۸۰	۱. چيستی اجتهاد مقاصدی.....
۸۱	۱- ۱. درنگی انتقادی بر مقاصد شریعت اهل سنت.....
۸۳	۱- ۲. تحلیلی از تصویر فقه شیعه نسبت به مقاصد شریعت.....
۸۳	۱- ۲- ۱. خاستگاه مقاصد شریعت.....
۸۴	۱- ۲- ۲. حساسیت فقهای شیعی نسبت به تعدی از نص.....
۸۶	۲. اعتبارسنجی قواعد اجتهاد مقاصدی از منظر اصول فقه امامیه.....
۸۷	۲- ۱. استقراء.....
۸۸	۲- ۱- ۱. سیره عقلاء.....
۸۹	۲- ۱- ۲. حجیت ظهورات.....

۹۰	۲-۱-۳. استقرار ناقص و حجیت ظن
۹۳	۲-۲. مذاق شریعت
۹۵	۲-۲-۱. مکانیسم تحصیل مذاق شریعت
۹۶	۲-۲-۲. نسبت بین مذاق شارع و مقاصد شریعت
۹۷	۲-۲-۳. ادله حجیت مذاق شریعت
۹۸	۲-۳. تعلیل منصوص در ادله لفظی
۹۹	۲-۴. تنقیح مناط و ارتباط آن با اجتهاد مقاصدی
۱۰۲	۳. کیفیت حضور مقاصد شریعت در فقه بر اساس معیارهای اصول فقه امامیه
۱۰۳	۴. تاثیر رویکرد مقاصدی بر فقه
۱۰۵	۵. رویکرد مقاصدی و قیاس و اجتهاد به رأی
۱۰۷	جمع بندی
۱۰۹	فصل چهارم: تاثیر رویکرد مقاصدی بر کارآمدی اجزاء نظام سیاسی دینی
۱۱۱	۱. تاثیر رویکرد مقاصدی بر قانون گذاری در نظام سیاسی دینی
۱۱۱	۱-۱. تاثیر رویکرد مقاصدی بر قانون گذاری با استناد به احکام موجود
۱۱۱	۱-۱-۱. رویکرد مقاصدی و ویژگی های سلبی فقه سنتی
۱۱۳	۱-۱-۲. رویکرد مقاصدی و وحدت رویه فقهی
۱۱۷	۱-۱-۳. رویکرد مقاصدی و تولید نظریه
۱۲۴	۱-۲. تاثیر رویکرد مقاصدی بر قانون گذاری در رابطه با موضوعات نوپدید
۱۲۹	۲. تاثیر رویکرد مقاصدی بر مساله پاسخ گویی و شفافیت حاکمیت و امکان قضاوت آن
۱۳۴	۳. رویکرد مقاصدی و نظام اولویت ها و ضابطه مندی مصلحت سنجی در نظام سیاسی دینی
۱۴۱	جمع بندی
۱۴۳	خاتمه
۱۴۶	فهرست منابع

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

گفتار اول: طرح تحقیق

۱. بیان مسئله

فقه به عنوان دانشی که به ساماندهی افعال مکلفین می‌پردازد نقش بسیار پررنگی در اندیشه سیاسی اسلامی دارد. چه در میان اهل سنت و چه در نزد شیعه، فقه به مثابه یک علم، جهت اداره زندگی مسلمین تلقی می‌شود که از بدو تولد انسان تا زمان مرگش را تحت تاثیر خویش قرار داده است. این حضور پررنگ نه تنها در زندگی فردی مسلمین بلکه در زندگی جمعی آنها نیز قابل مشاهده است و تمام حکومت‌هایی که به نام دین، بر سر کار آمدند باید تکلیف خویش را با این علم، مشخص کنند. در جمهوری اسلامی ایران، احکام فقهی به عنوان راهی جهت سعادت جامعه اسلامی، ارائه شد و حتی اجرای احکام اسلامی به عنوان فلسفه برپایی حکومت اسلامی معرفی گردید؛ به گونه‌ای که بدون حکومت، بسیاری از این احکام تعطیل می‌شدند. اهمیت این مساله وقتی بیشتر روشن می‌شود که مشاهده کنیم اساس و پایه‌ی قوانین حقوقی - چه قانون اساسی و چه قوانین حقوق عمومی و آئین دادرسی کیفری و حقوق جزای عمومی و خصوصی و ... - در جمهوری اسلامی ایران، فقه و سازوکار رایج آن است. حتی مصوبات مجلس نیز نباید مخالف با شرع مقدس و قوانین بالادستی مانند قانون اساسی باشد و واضح است که منظور، عدم مخالفت با شرع مقدسی است که از طریق سازوکار اجتهادی مرسوم به دست آمده است. تمام این مسائل، نشان دهنده حضور پررنگ فقه در عرصه قانون گذاری در ایران کنونی است.

اما در همان ابتدا و در بحبوحه استقرار نظام سیاسی و حقوقی بر فقه، مشکلاتی خودنمایی کرد که تا پیش از این، سابقه نداشت. این مشکلات، ناشی از مطالبه یک نظام سیاسی دینی از فقهی بود که نزدیک به دوازده قرن، به دور از اداره سیاسی و حقوقی یک کشور شکل گرفته بود. لیکن امام خمینی ره با محور قرار دادن عنصر مصلحت نظام و نیز تقویت عنصر زمان و مکان در

کنار تحقق بخشیدن ولایت مطلقه فقیه، ظرفیت فقه سنتی را ارتقاء داده و فقه را از بن بست عدم پاسخ‌گویی به مطالبات نظام اسلامی رهانید و این ظرفیت را به فقه داد تا بتواند در مواجهه با مسائل حاکمیتی و نیز حقوقی، پویا و فعال باشد. فقهی که امام خمینی ره برای اداره کشور در نظر داشت از فقه سنتی رایج در حوزه‌های علمیه، جلوتر بود که این مساله را می‌توان در نامه ایشان به آقای قدیری مشاهده کرد.^۱ ولی مساله به اینجا ختم نشد و به تدریج با گذشت زمان و پیدایی چالشهای جدید در عرصه اداره کشور، مشکلاتی سر برآورد که به نظر می‌رسد فقه پویا و فعالی که بعد از انقلاب شاهد آن بودیم در همراهی با مطالبات نظام حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران اسلامی، نیاز به تقویت دارد. به عنوان مثال بعد از گذشت چهل سال از تجربه حکمرانی اسلامی در ایران، مشاهده می‌کنیم اجرای برخی از احکام فقهی با مشکل مواجه شده است. این در حالی است که قرار بود با برپایی حکومت اسلامی، فضا برای اجرای همین احکام، فراهم شود.^۲ از سوی دیگر، نقش پررنگ مصلحت‌سنجی‌ها و یا عناوین ثانویه در اجرای احکام، عملاً اجرای فقه را با مشکل مواجه کرده است. هنوز مشکل ربوی بودن بانک‌ها در نظام جمهوری اسلامی از چالشهای کارآمدی نظام دینی محسوب می‌شود. در هر برهه از زمان که یکی از احکام فقهی، به چالشی برای جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود با تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعدیل می‌گردد؛ از حقوق اقلیت‌های دینی گرفته تا مساله دیه و تعارض مالکیت خصوصی با مالکیت عمومی در قوانین شهری. این مساله تا آنجا پیش رفت که برای حفظ نظام، باید برخی از احکام توسط اختیارات ولی فقیه و یا سازوکار مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعدیل و یا حتی تعطیل شود در حالی که قرار بود با برپایی نظام اسلامی، احکام اسلام اجرا شود. اینجاست که شائبه تبدیل شدن وسیله (نظام اسلامی) به هدف و تبدیل هدف (اجرای احکام) به وسیله در اذهان مسلمین خلیجان کرده و حتی مشروعیت نظام را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بالتبع، تاثیر معکوس بر کارآمدی نظام

۱. صحیفه امام، جلد ۲۱ ص ۱۵۰

۲ امام خمینی یکی از ادله لزوم تشکیل حکومت اسلامی را اجرای احکام می‌داند و می‌فرماید: «□... با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تاسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد»؛ روح الله الموسوی الخمینی، «ولایت فقیه» (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲)، ۲۷.

سیاسی دینی گذاشته است. به عبارت دیگر آنچه به عنوان مصلحت نظام و حکم حکومتی و عناوین ثانویه و عنصر زمان و مکان برای پویایی فقه مطرح شد بیشتر در مقام اجرای احکام، به کمک فقه آمد؛ ولی در مقام استنباط تاثیر چندانی نگذاشت. لذا شاهدیم سازوکار استنباط احکام فقهی در حال حاضر ظرفیت کافی برای پاسخ گویی به مسائل نوظهور و مطالبات نظام سیاسی و نظریه پردازی‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و ... ندارند.

اما برای حل این مشکل، تحلیل‌های مختلفی ارائه شده که هر یک سعی در حل چالش «عدم همراهی خروجی‌های فقه با عینیت‌های خارجی» دارند. از روش‌های سنتی - همچون تقسیم احکام به اولی و ثانوی و یا ثابت و متغیر - تا روش‌های نوظهور - همچون دخالت تام و تمام عقل در دین و عصری خواندن دین و حداقلی خواندن آن و ... - به نوعی در صدد پاسخ به این مشکل هستند. شاید بتوان گفت یکی از ابعاد تقابل سنت با مدرنیته، همین وجوه عملی سنت - که در قالب فقه، متجلی است - در عرصه‌ی مدیریت کشور است.

رویکرد مقاصدی به فقه، یکی از همین روش‌هاست. این رویکرد، اخیراً مورد توجه برخی پژوهشگران واقع شده و به عنوان یک راه حل برای ارتقای ظرفیت‌های فقه مطرح می‌گردد. ولی مشکل از همین جا شروع می‌شود؛ زیرا رویکرد مقاصدی به فقه، با توجه به سازوکارهای حجیت در فقه شیعی از یک سو و عدم ضابطه‌مندی در فقه سنی - که خاستگاه اصلی آن است - از سوی دیگر، متهم به اجتهاد در برابر نص و یا غلطیدن به دامن رأی و قیاس و مصالح مرسله و ... است.

به همین دلیل، رویکرد مقاصدی به فقه، در میان اندیشوران شیعی، موافقان و مخالفانی دارد که این موضوع را به مساله‌ای چالشی تبدیل کرده است. ماموریت ویژه‌ی موافقان در تبیین رویکرد مقاصدی به فقه را می‌توان در دو حوزه‌ی انضباط روشی از یک سو و فاصله‌ی گرفتن از اهل سنت از سوی دیگر خلاصه کرد.

آنچه در این پژوهش، مورد اهتمام می‌باشد بررسی رابطه‌ی «کارآمدی نظام سیاسی» و «رویکرد مقاصدی به فقه» است. در واقع، در این پژوهش به دنبال این هستیم که در صورت تحقق ماموریت موافقان رویکرد مقاصدی به فقه، با توجه به حضور پررنگ این دانش دینی در نظام سیاسی کنونی، چه تاثیراتی را در کارآمدی این نظام سیاسی مشاهده خواهیم کرد. این مساله

از رهگذر رصدِ مولفه‌های کارآمدیِ سیاسی و بررسیِ تاثیرِ رویکردِ مقاصدی به فقه در این مولفه‌ها میسر است. مساله کارآمدی را می‌توان در ابعاد سیاسی و اقتصادی و ... مطرح کرد که البته ما در این پژوهش به کارآمدیِ نظام در عرصه سیاسی خواهیم پرداخت. علاوه بر این باید توجه نمود که مولفه‌های کارآمدی را می‌توان در سه سطح نظری، شکلی و محتوایی لحاظ کرد. مسائلی همچون چالش‌های قانون‌گذاری در نظام سیاسی دینی، از سنخ مولفه‌های نظریِ مساله کارآمدی است. همچنین مسائلی همچون بحث شفافیت حکومت و پاسخ‌گویی را می‌توان از مولفه‌های شکلیِ کارآمدی دانست. اما مولفه‌هایی همچون نقش مردم در تصمیمات حاکمیتی - چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی - و یا چرخش قدرت، مربوط به مساله کارآمدی از حیث محتواست. به نظر می‌رسد که رویکرد مقاصدی به فقه، بیشترین تاثیر را بر مولفه‌های نظری همچون قانون‌گذاری خواهد داشت که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت و البته برخی از مولفه‌های شکلی و محتوایی همچون شفافیت و قدرت اقناع نیز متاثر از رویکرد مقاصدی به فقه خواهد بود.

توجه به این نکته ضروری است که هرچند مأموریت اصلیِ این پژوهش، بررسیِ تاثیرِ رویکرد مقاصدی به فقه در نظام سیاسی دینی است ولی نمی‌توان بدون توجه به امکان اعتبارِ رویکرد مقاصدی در فقه شیعه، به بررسی این تاثیر همت گمارد؛ زیرا بدون سنجش اعتبار این رویکرد از منظر اصولی، پرداختن به تاثیرات آن در نظام سیاسی لغو بوده و مانند این است که در یک پژوهش مفصل به بررسی این مساله بپردازیم که در صورت استفاده از قیاس در استنباط احکام، شاهد چه تاثیراتی در نظام سیاسی دینی خواهیم بود! در اینجا کسی نمی‌تواند ادعا کند ما فقط به کارآمدیِ رویکرد قیاس‌محور به فقه در کارآمدیِ نظام سیاسی دینی می‌پردازیم و اعتبار یا عدم اعتبار این رویکرد، از محل بحث ما خارج است؛ زیرا خروجی این پژوهش هیچ آورده‌ای برای کارآمدیِ نظام سیاسی شیعی نخواهد داشت.

همچنین این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که خاستگاه این پژوهش، اعتراف به وجود فاصله بین فقه سنتی و حتی فقه پس از انقلاب با مطالبات نظام سیاسی دینی است؛ فاصله‌ای که به نوعی تاثیر منفی بر کارآمدی این نظام گذاشته است؛ لذا باید به این مشکلات و مناشیء آنها نیز اشاره شود و سپس بررسی گردد که آیا رویکرد مقاصدی می‌تواند این مشکلات را برطرف کند یا

خیر؟ بر همین اساس، بیشتر به مشکلاتی خواهیم پرداخت که ممکن است ناشی از فقدان رویکرد مقاصدی به فقه باشد. به عبارت دیگر قرار نیست با اقرار به تاثیر مثبت شیوه و رویکرد سنتی به فقه - و حتی فقه پس از انقلاب - در کارآمدی نظام سیاسی، به بررسی تاثیر مثبت رویکرد مقاصدی به فقه در کارآمدی نظام سیاسی پردازیم؛ زیرا وقتی رویکرد سنتی به فقه مشکلی در کارآمدی نظام سیاسی ایجاد نکرده پرداختن به الگوی دیگر، کاری بیهوده و لغو است.

با توجه به توضیحات فوق، این پژوهش سه بُعد مرتبط با هم خواهد داشت: از یک سو باید اعتبار رویکرد مقاصدی به فقه، ارزیابی شود و از سوی دیگر کاستی‌های فقه سنتی و فقه موجود^۱ در مسیر کارآمدی نظام سیاسی دینی بررسی گردد و در نهایت به این پرسش، جواب داد که آیا رویکرد مقاصدی می‌تواند کاستی‌های رویکرد سنتی به فقه در مسیر کارآمدی نظام سیاسی را جبران کند و چگونه؟

۲. سوال اصلی تحقیق

رویکرد مقاصدی به فقه چه تاثیری در کارآمدی نظام سیاسی دینی دارد؟

۳. سوال‌های فرعی

- ۱- رویکرد مقاصدی به فقه، چیست و چگونه می‌توان از اعتبار آن دفاع کرد؟
- ۲- چه نسبتی بین کارآمدی نظام سیاسی دینی با فقه سنتی وجود دارد؟
- ۳- رویکرد مقاصدی به فقه چه تاثیری بر کارآمدی قانون‌گذاری در نظام سیاسی دینی دارد؟
- ۴- رویکرد مقاصدی به فقه چه تاثیری بر مسأله‌ی پاسخ‌گویی و شفافیت حاکمیت و امکان قضاوت آن دارد؟
- ۵- رویکرد مقاصدی چه تاثیری بر نظام اولویات و ضابطه‌مندی مصلحت‌سنجی در نظام سیاسی دینی خواهد داشت؟

۱. منظور از فقه موجود در این پژوهش، فقهی است که پس از انقلاب و با نظریات امام، جهت اداره نظام سیاسی دینی در جمهوری اسلامی ایران، وارد عمل شد.

۴. پیشینه تحقیق

درباره‌ی شیوه‌ی مقاصدی در فقه، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که در این رابطه می‌توان به کتاب‌ها و مقالاتی همچون «فقه و مصلحت» تالیف حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علی دوست و یا «نقد و بررسی فقه مقاصدی از نظرگاه اهل سنت» نگاشته‌ی محمد علی قاسمی و احمد خوانساری و «آفاق التجدید: ملف مقاصد الشریعه؛ مجموعه من الباحثین» و «مقاصد الشریعه الاسلامیه» تالیف وهبه الزحیلی و ... اشاره کرد. همچنین موضوع کارآمدی نظام سیاسی دینی نیز از سابقه‌ی نسبتاً قابل توجهی برخوردار بوده و تالیفات پرشماری را در این موضوع می‌توان برشمرد مانند «جمهوری اسلامی و چالش کارآمدی» تالیف مهندس مرتضی نبوی و «مفهوم، شاخصه‌ها و شیوه‌های ارتقاء کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران» نگاشته‌ی بهرام اخوان کاظمی و «حکومت و مبانی کارآمدی» تالیف محمد جواد لاریجانی و «کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره» تالیف محسن رضوانی و

اما در پژوهش‌هایی که پیرامون رویکرد مقاصدی به فقه انجام شده، بررسی تاثیر چنین رویکردی بر مساله‌ی کارآمدی نظام سیاسی غایب است. آنچه در پژوهش‌هایی از این دست مشاهده می‌شود را می‌توان در مسائلی همچون انسجام در نظریه پردازی و یا کمک به نظام سازی در عرصه‌ی فقهت و مسائلی همچون رفع تهافت‌های فقهی و ... خلاصه کرد. اما این مساله که رویکرد مقاصدی به فقه، چه تاثیری می‌تواند بر مساله کارآمدی یک نظام سیاسی دینی داشته باشد در چنین پژوهش‌هایی مغفول مانده و به نوعی اصلاً مساله‌ی آنها نبوده است.

در مقابل نیز آن دسته از پژوهش‌هایی که به مساله‌ی کارآمدی نظام سیاسی می‌پردازند نوعاً از منظر فقهی، مساله‌ی کارآمدی را مورد بررسی قرار نداده‌اند و یا حتی اگر از این منظر، به تحلیل و بررسی مساله‌ی کارآمدی پرداخته‌اند به مسائلی همچون نقش مصلحت و یا عنصر زمان و مکان و ... توجه کرده‌اند و از دریچه‌ی رویکرد مقاصدی به فقه، مساله‌ی کارآمدی نظام سیاسی را به بحث ننشسته‌اند و به طور کلی، می‌توان گفت امتداد سیاسی رویکرد مقاصدی به فقه و استلزامات سیاسی این نوع نگاه به تفقه، در پژوهش‌های موجود، مورد غفلت واقع شده است.

۵. اهمیت مساله و ضرورت تحقیق

رویکرد مقاصدی به فقه - به مثابه‌ی یک نظریه‌ی مستقل - را می‌توان به قرن هشتم هجری و زمانه‌ی شاطبی برگرداند. اما بررسی رویکرد مقاصد به فقه از منظر شیعی، یک تلاش نوحاسته و جدید است. البته هنوز این شیوه‌ی اجتهادی از منظر اصول فقه شیعی به رسمیت شناخته نشده و متهم به کلی‌گویی و بیانات شعاری و نیز ابتدای بر ظن و تخمین است. مساله‌ی کارآمدی نیز جزء لاینفک حکومتداری است ولی به طور ویژه از اواخر دهه‌ی هفتاد و ابتدای دهه‌ی هشتاد هجری شمسی شاهد پررنگ شدن بحث کارآمدی و مشروعیت در ادبیات سیاسی و علمی آن دوره هستیم. این مساله بی ارتباط با موضوع حکمرانی خوب نیست. در هر صورت نظام جمهوری اسلامی، نیاز داشت تا تلقی خود از کارآمدی را تعریف و آن را به عرصه‌ی علمی کشور عرضه کند. ولی تمام اینها مانع از بروز برخی کاستیها در ساختار اجرایی و قانونی حاکمیت نشد. از همان دوره، تلاش‌هایی مبنی بر رفع چالش‌های اداره کشور صورت گرفت و با توجه به مناشیء مختلفی که برای این چالش‌ها رصد شد تحقیقات و پژوهشهای مختلفی صورت گرفت. سنخ این پژوهشها، میان رشته‌ای بود. یعنی از یک سو، سر در مولفه‌های کارآمدی و از سوی دیگر، ریشه در مباحث فقهی، اقتصادی، فرهنگی و ... داشت. با تمام این اوصاف، یک پژوهش میان رشته‌ای که سعی در ارتباط مولفه‌های سیاسی کارآمدی با رویکرد مقاصدی به فقه داشته باشد مشاهده نمی‌شود. لذا این پژوهش میان رشته‌ای، در نوع خود می‌تواند اولین قدم در ارزیابی مولفه‌های کارآمدی در پرتو فقه مقاصدی تلقی شود. همچنین به این نکته نیز باید توجه کرد که بعد از گذشت بیش از چهل سال از تجربه حکمرانی دینی، جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام دینی برخاسته از اسلام شیعی، باید به ارزیابی این تجربه بپردازد و از این طریق جوابی برای کاستی‌ها و نواقص موجود در حکمرانی خویش بیابد و کارآمدی حکمرانی خویش را ارتقا بخشد. لذا بررسی ظرفیتهای ممکن برای تصحیح و تقویت حکمرانی دینی و ارتقای کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی از مباحث لازم و ضروری است که در غیر این صورت، جریان رقیب، با تثبیت عنوان ناکارآمدی بر حکمرانی جمهوری اسلامی، آن را به عنوان الگویی نامطلوب در تجربه‌های حکمرانی بشر، به دیگران معرفی خواهند کرد.

۶. نوآوری تحقیق

۱. اصول فقه کنونی شیعه، این ظرفیت را دارد که رویکرد مقاصدی (با معنایی متفاوت از مقاصد شریعت اهل سنت) به فقه را به رسمیت بشناسد.
۲. رویکرد کنونی به فقه شیعی، از ظرفیت کافی برای پشتیبانی نرم‌افزاری از مطالبات نظام سیاسی دینی برخوردار نیست و همین مساله باعث شده تا نیازمند عوامل بیرونی همچون اعمال قدرت ولایت فقیه و تشخیص مصلحت نظام باشد.
۳. رویکرد مقاصدی به فقه، به گونه‌ای موثر، باعث تقویت فقه سنتی جهت ارتقای کارآمدی نظام سیاسی دینی در عرصه‌های نظری و شکلی و محتوایی کارآمدی می‌شود.

۷. اهداف تحقیق

ارائه‌ی یک تبیین معقول و معتبر از رویکرد مقاصدی به فقه بر اساس معیارهای اصول فقه

شیعه

آسیب شناسی فقه سنتی در رابطه با ناکارآمدی نظام سیاسی دینی
تبیین ارتقاء کارآمدی نظام سیاسی بر اساس رویکرد مقاصدی به فقه

۸. چارچوب مفهومی

این پژوهش به دنبال فهم نسبتی است که می‌تواند بین مفاهیم اصلی «اجتهاد مقاصدی»، «فقه سنتی» و «کارآمدی» وجود داشته باشد. این نسبت ممکن است در قالب سلبی و یا ایجابی بین مفاهیم فوق، ظهور و بروز داشته باشد.

۹. فرضیه‌های تحقیق

رویکرد مقاصدی به فقه ظرفیت انکارناپذیری در ارتقای کارآمدی نظام سیاسی دینی از طریق مولفه‌هایی همچون نظام قانون‌گذاری، شفافیت قانون‌گذاری و ساختار اولویت بندی مفاهیم و مواد قانونی دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت رویکرد مقاصدی به فقه، این توانایی را به نظام سیاسی دینی می‌دهد تا از فقه متاثر از رویکرد مقاصدی، برای نظام قانون‌گذاری، شفافیت و ارزیابی قانون‌گذاری و نیز شناسایی نظام اولویتهای کلان خود، بهره‌ی بیشتری ببرد.

۱۰. روش تحقیق

در این پژوهش بر اساس روش‌شناسی مبتنی بر فلسفه مضاف و با نگاه درجه دوم و متناسب با توصیف و تحلیل و تجویز، به دنبال فهم ماهیت و مختصات رویکرد مقاصدی به فقه و نسبت آن با کارآمدی نظام سیاسی دینی هستیم.

۱۱. سازماندهی تحقیق

این پژوهش در چهار فصل سامان یافته است. در فصل اول به کلیات و مفاهیم پرداخته می‌شود که شامل طرح تحقیق و چارچوب مفهومی و تبیین مفاهیم اصلی پژوهش است. در فصل دوم، نسبت فقه و کارآمدی نظام سیاسی مورد واکاوی قرار گرفته و سعی می‌شود تا با تبیین ویژگی‌های فقه رایج، نقاط ضعف این فقه در رابطه با مساله کارآمدی توضیح داده شود. در فصل سوم به چیستی فقه مقاصدی و نیز راه‌های وصول به مقاصد شریعت بر اساس معیارهای حجت در اصول فقه امامیه پرداخته می‌شود و در نهایت، فصل چهارم متکفل بررسی تاثیرات رویکرد مقاصدی بر کارآمدی اجزاء نظام سیاسی دینی است. در این فصل به سه مولفه مهم و تاثیرگذار در کارآمدی یعنی مساله قانون‌گذاری، مساله پاسخ‌گویی و شفافیت‌آرزیابی و مساله نظام اولویات و ضابطه‌مندی مصلحت‌سنجی در نظام سیاسی دینی خواهیم پرداخت و تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم چگونه رویکرد مقاصدی به فقه می‌تواند تاثیر ایجابی بر این مولفه‌ها داشته باشد.

گفتار دوم: مفهوم‌شناسی

در ادامه سعی می‌کنیم تا با ایضاح مفهومی «کارآمدی» و «نظام سیاسی دینی» و «فقه مقاصدی» به تصویری واضح از مأموریت این پژوهش برسیم.

۱. کارآمدی

لغت کارآمد، یک واژه‌ی پرکاربرد و مرسوم در ادبیات فارسی است. تا آنجا که ملاحظه شد در لغتنامه‌های اصیل، لغت «کارآمد» را تعریف می‌کنند نه «کارآمدی». برخی پژوهشها از این نکته غفلت کرده و به تعریف کارآمدی از منظر لغت و مثلاً فرهنگ عمید^۱ این در حالی است که در فرهنگ عمید، کلمه‌ی کارآمد - و نه کارآمدی - به کارآموده و شایسته و کامل و سودمند تعریف می‌شود.^۲ استعمال کلمه‌ی کارآمد در این معنای لغوی، به صورت‌های مختلفی همچون «کارآمدگی» و «کارآمدن» و «کارآمدنی» و «کارآمده» و نیز «کارآمد» در ادبیات منظوم و مثنوی ایرانی، سابقه طولانی دارد.^۳

اما کارآمدی به عنوان یک اصطلاح علمی و مطرح در علوم سیاسی که شاخصه‌هایی برای ارزیابی یک نظم سیاسی ارائه می‌کند یک مفهوم مدرن است. به عنوان یک تحلیل - و نه یک ادعای قطعی - می‌توان گفت طرح مساله کارآمدی و نظریات مطرح در آن، مرهون چهار اتفاق است:

۱-۱. مطرح شدن نظریه‌ی حکمرانی خوب در نیمه‌ی دوم قرن بیستم.

پس از دوران رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹ میلادی، اقتصاددانان به پیروی از اندیشه‌های کینز بر این باور بودند که مداخله‌ی دولت می‌تواند رکود و بیکاری را از بین ببرد. نتیجه‌ی چنین دیدگاه‌هایی ظهور دولت بزرگ و مداخله‌گر بود. اما در دهه هفتاد میلادی راهکار توسعه را در دولت حداقلی می‌دیدند؛ یعنی دولتی که مداخله‌ی کمتری در اقتصاد داشته و امور را به سازوکار

۱ علیرضا زهیری، *درآمدی بر مساله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران* (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷)، ۲۰.

۲ حسن عمید، *فرهنگ عمید* (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳): مدخل کارآمد.

۳ علی اکبر دهخدا، *لغت نامه دهخدا* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶): مدخل کارآمد.

قیمت‌ها و بازار واگذار می‌کرد. انگلستان و آمریکا پیش‌تاز اجرای این طرح بودند؛ یعنی همان «دو کشوری که پیش‌تاز دولت مداخله‌گر و مبتکر دولت رفاه و ملی شدن صنایع بودند این بار دولت حداقل و حاکمیت قیمت‌ها و آزادسازی و خصوصی سازی را راه نجات می‌دانستند»^۱. با بروز نارضایتی‌ها نسبت به رویکرد دولت حداقلی، رویکرد حکمرانی خوب مطرح شد. همچون دو رویکرد پیشین، این رویکرد نیز توسط اقتصاددانان و نهادهای اقتصادی و به منظور توسعه‌ی اقتصادی و مسالهی رفاه مطرح شد.^۲

«بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل از دریچه‌های مختلف به این نظریه پرداختند. برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند»^۳.

حکمرانی خوب، غیر از دولت خوب است. صاحبان اصلی قدرت در حکمرانی خوب، مردم (نهادهای مدنی) هستند که در کنار دولت و نیز بخش خصوصی، الگوی خاصی از اداره‌ی عمومی کشور را رقم می‌زنند. در این الگو، سه بازوی مهم در کنار هم به ایفای نقش می‌پردازند:

«نهادهای مدنی که مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی‌اند؛ بخش خصوصی که عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی دیده می‌شود؛ دولت که تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت‌اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌شود»^۴.

حکمرانی خوب از پیوند سیاست و اداره جامعه سر برآورد و چون ناظر به اداره‌ی جامعه و نیز رفع مشکلات پیش روی توسعه‌ی اقتصادی و مسالهی رفاه است لذا در پی افزایش کارآمدی نظام سیاسی است و به عبارت دیگر، مسالهی اصلی حکمرانی خوب، بهتر اداره کردن جامعه با پشتوانه قدرت دولت است.^۵

۱ احمد میدری، «مقدمه‌ای بر نظریه‌ی حکمرانی خوب»، *رفاه اجتماعی* ۲۲، ش ۶ (۱۳۸۵): ۲۶۳.

۲ زهیری، *درآمدی بر مساله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران*، ۴۴-۵۹.

۳ میدری، «مقدمه‌ای بر نظریه‌ی حکمرانی خوب»، ۲۶۴.

۴ زهیری، *درآمدی بر مساله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران*، ۵۴.

۵ زهیری، ۵۵.